

سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران دلایل و پیامدها^۱

محمد رمضانیان*

چکیده

سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، یکی از مسائل مهم این بخش مطرح بوده که با توجه به نقش بخش کشاورزی در اقتصاد ایران می‌توان تأثیر آن را در کل جامعه حدس زد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران در مقایسه با سایر بخشها سالخورده‌تر است که در صورت تداوم روند این سالخوردگی وضعیت بخش کشاورزی در آینده نگران‌کننده خواهد شد. همچنین نسبت جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال بخش

۱. این مقاله برگرفته از تحقیق است که با همین عنوان در گروه اجتماعی و حقوق مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی صورت گرفته است و در انجام آن خاتم سیده عبداللهی (از کارشناسان گروه اجتماعی و حقوق مؤسسه) به عنوان همکار و آقای دکتر محمد میرزایی (استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران) به عنوان مشاور طرح فعالیت داشته‌اند.
* پژوهشگر گروه اجتماعی و حقوقی مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

کشاورزی (در سال ۱۳۷۵) ۲۱/۱ درصد است، در حالی که این رقم برای دو بخش صنعت و خدمات به ترتیب ۳/۹ و ۵/۲ درصد است. این موضوع بدان معناست که نسبت سالخوردگان بخش کشاورزی به ترتیب بیش از ۴ و ۵ برابر نسبت سالخوردگان بخشهای صنعت و خدمات است. یافته‌های این تحقیق همچنین نشان داده است که مهاجرتهای روستا به شهر از مهمترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی است. مهمترین نتایجی نیز که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت عبارت است از: کاهش بهره‌وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، وابستگی کشور به مواد غذایی و نیاز به واردات این مواد از خارج.

کلید واژه‌ها:

سالخوردگی جمعیت، بخش کشاورزی، مهاجرت، خالص مهاجرتی، باروری.

مقدمه

در زمانی که محوریت اغلب بحثها بر جوانی جمعیت و جوان بودن جامعه متمرکز است، شاید بحث از سالخوردگی جمعیت تا اندازه‌ای غیرقابل انتظار و عجولانه به نظر برسد. ولی واقعیت این است که بخشهایی از جامعه از هم اکنون دچار سالخوردگی شده و جمعیت آنان رو به پیری نهاده است. از جمله این بخشها، بخش کشاورزی است؛ بخشی که اهمیت و نقش آن در اقتصاد ایران از گذشته دور تاکنون بر کرسی پوشیده نیست و به دلیل نقش و اهمیتی که در تأمین غذای بخش عظیمی از جمعیت کشور و نیز فراهم آوردن مواد اولیه بسیاری از صنایع دارد، همواره مورد توجه دولت و مسئولان بوده است.

بدیهی است که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی، به عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، به مجموعه‌ای از نیروهای خلاق، آموزش‌پذیر، ریسک‌پذیر، پویا، شاداب و... نیاز است. این ویژگی نیز اغلب در

جوانان وجود دارد و به طور معمول جوانان آمادگی بیشتری برای انتقال این ویژگی به درون یک مجموعه دارند. این در حالی است که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به سالخوردگی گراییده و طی سالهای اخیر میانگین سنی شاغلان این بخش، هم در مقایسه با سالهای گذشته و هم در مقایسه با دو بخش دیگر فعالیت (صنعت و خدمات) به طور مرتب افزایش یافته است. البته این بدان معنا نیست که افزایش میانگین سنی شاغلان فقط مربوط به شاغلان بخش کشاورزی است، بلکه میانگین سنی شاغلان دیگر بخشها نیز طی سالهای گذشته افزایش یافته ولی سرعت رشد میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی بسیار بیشتر از مقدار مشابه در سایر بخشها بوده است (رشد میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی طی دوره زمانی ۱۳۴۵-۷۵ تقریباً $2/7$ برابر مقدار مشابه در دو بخش دیگر است^۱).

بی گمان سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی دارای پیامدهای منفی بسیار زیادی است که از آن جمله می توان به مواردی چون کاهش بهره‌وری نیروی کار، عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین، نداشتن خلاقیت و... اشاره کرد. سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی همچنین بر سر راه توسعه موانعی ایجاد می‌کند، زیرا یک جمعیت سالخورده به طور معمول درصد ارزش دادن به روشهای رفتاری گذشته و مقاومت در مقابل تغییرات است؛ تغییراتی که شرط لازم پیشرفت اجتماعی به شمار می آیند.

به هر حال پدیده سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی تا حدی نگران کننده است و این فرض را در ذهن تداعی می‌کند که بخش کشاورزی کشور در آینده با مشکل کمبود نیروی جوان رو به رو خواهد شد و اگر از هم اکنون به فکر چاره نباشیم، شاید فردا دیر باشد. با توجه به آنچه گذشت می توان دریافت که چنین پدیده‌ای مسئله‌ای قابل

۱. براساس اطلاعات سرشماریهای سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ کل کشور، میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی در این سالها به ترتیب $34/3$ و $40/5$ سال و میانگین سنی کل شاغلان به ترتیب $33/5$ و $35/8$ سال بوده است.

طرح است که مطالعه‌ای همه جانبه را می‌طلبد.

هدفهای تحقیق

مهمترین هدفی که تحقیق حاضر به دنبال آن است، بررسی دلایل سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران و پیامدهای این سالخوردگی است. به عبارت روشنتر، در این تحقیق تلاش کرده‌ایم تا پاسخی برای این سؤال بساییم که اولاً چرا سرعت رشد سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی بیشتر از دو بخش صنعت و خدمات است؟ ثانیاً سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی چه پیامدهایی برای تولید کشاورزی و در نهایت اقتصاد کشور دارد؟

روش مطالعه

روش مطالعه حاضر روش اسنادی^۱ است. به همین منظور برای انجام آن، بخش عمده اطلاعات و داده‌ها - به عنوان اطلاعات و داده‌های پایه - از سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن استخراج شده است. مبنای ساخت بیشتر شاخصهای مورد نیاز مطالعه حاضر نیز همین اطلاعات بوده است.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۶ استان کشور است.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

در این تحقیق، سالخوردگی^۲ جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، متغیر وابسته است. منظور از سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی نیز افزایش نسبت

1. Documentary

2. Aging

سالخوردگی جمعیت شاغل ...

جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال این بخش به کل شاغلان آن است. به همین منظور برای متغیر وابسته، نسبت جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی در نظر گرفته شده است. البته در مواردی و برای مقایسه، میانگین سنی شاغلان نیز به کار رفته است.

متغیرهای مستقل

این متغیرها عبارت است از:

۱. مهاجرت^۱: یعنی ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم. در این تحقیق برای متغیر مهاجرت، میزان خالص مهاجرتی منظور شده است.

۲. باروری^۲: یعنی قابلیت زن در تولید مثل. در این تحقیق برای متغیر باروری، شاخص میزان خام مولید^۳ مناطق روستایی در نظر گرفته شده است. محاسبه این شاخص با استفاده از روش پیشنهادی رله^۴، که در آن از نسبت کودک به زن^۵ استفاده می‌شود، انجام گرفته است. روش پیش گفته یکی از روشهای غیرمستقیم محاسبه باروری است.

چارچوب نظری

مفهوم سالخوردگی جمعیت اساساً مانند مفهوم خود جمعیت بسیار کلی است و برای بررسی و مطالعه آن لازم است دیدگاههای مختلف در زمینه سالخوردگی مورد مطالعه قرار گیرد. لذا در اینجا سعی می‌شود تا این دیدگاهها به اختصار بیان شود.

1. Migration

2. Fertility

3. Crude Birth Rate

4. Rele

5. Child Woman Rate

۱. دیدگاه زیستمحیطی

این دیدگاه ویژگیها و نارساییهای افراد سالمند، تأثیر عوامل بیرونی و درونی از جمله بیماریها در سالخوردگان و تغییر در جنبه‌های فیزیولوژیک و جسمانی افراد را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. دیدگاه روانشناختی

در این دیدگاه سعی می‌شود مسئله سالخوردگی و سالمندی با استفاده از شرایط روانی و شخصیتی افراد بررسی شود. یکی از نظریه‌های مهم روانشناختی در این زمینه، نظریه رشد "روانی - زیستی اجتماعی" اریکسون است. وی بر این باور است که افراد سالمند به دلیل ناکارآمد بودن، ضعف تدریجی بدن، از دست دادن دوستان و نزدیکان با مرحله‌ای به نام مرور زندگی رو به رو می‌شوند، به طوری که مدام به ارزیابی گذشته می‌پردازند و بدینوسیله خود را مشغول می‌کنند.

۳. دیدگاه جامعه شناختی

از بُعد جامعه شناختی، رشد و گسترش پدیده سالخوردگی مسائل و موضوعاتی را برانگیخته است که مهمترین آنها دگرگونی پایگاه اجتماعی و بازنشستگی اجباری سالخوردگان است. این پدیده در قالب دو دیدگاه مهم جامعه شناختی یعنی کارکردگرایی و تضاد، مباحثی را برانگیخته است. از دیدگاه کارکردگرایی، تحولاتی که امروزه در وضعیت سالخوردگان به وقوع می‌پیوندد، نتیجه فرایندی طبیعی است که در نهایت به ثبات و تعادل جامعه می‌انجامد. از نظر این دیدگاه، مسائل اجتماعی سالخوردگی، از جمله دگرگونی پایگاه اجتماعی و بازنشستگی، به عنوان باز شدن راه برای جوانان تلقی می‌گردد و مثبت و کارکردی ارزیابی می‌شود. برخلاف دیدگاه کارکردگرایی، که بر ثبات جامعه تأکید می‌کند، دیدگاه تضاد اعتقاد دارد که جامعه پیوسته در حال تنش، رقابت و دگرگونی است. در مجموع می‌توان گفت که گرچه تحقیقات و بررسیهای

جامعه‌شناختی در زمینه سالخوردگی جمعیت محدود است، اما در حوزه مباحث نظری، ابعاد اجتماعی سالخوردگی کم و بیش مورد توجه دو دیدگاه مهم جامعه‌شناختی قرار گرفته است.

۴. دیدگاه جمعیت‌شناختی

مطالعه سالخوردگی جمعیت برای جمعیت‌شناسان از آن نظر اهمیت دارد که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی دگرگونی‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کند. همچنین از آنجاکه سالخوردگی جمعیت نتیجه فعل و انفعالاتی عمدتاً جمعیتی است، همواره مورد توجه و مطالعه همه جانبه جمعیت‌شناسان قرار داشته است. در این تحقیق نیز تلاش بر آن است که مسئله سالخوردگی جمعیت بیشتر از دیدگاه جمعیت‌شناختی مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه مطالعه

طرح مسئله سالخوردگی جمعیت، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، موضوع جدیدی است که بویژه در آغاز سده بیست و یکم به آن پرداخته شده است. از همین روست که سال ۱۹۹۹، سال بین‌المللی سالخوردگان نامگذاری شده است. با این حال، موضوع سالخوردگی جمعیت مناطق روستایی از سالها قبل مطرح بوده و در این زمینه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. تحقیق مارکوکس در مورد سالخوردگی جمعیت بخش روستایی کشورهای در حال توسعه از جمله اولین تحقیقات در این باره است. وی توصیفی از الگوهای سالخوردگی جمعیت در بخش روستایی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا ارائه می‌دهد و نتایج سالخوردگی جمعیت را در این مناطق به اجمال بیان می‌کند. مارکوکس بر نقش مهاجرت به عنوان یک عامل تغییردهنده رفتارهای باروری و مرگ و میر و تأثیرات آن بر سالخوردگی جمعیت تأکید زیادی می‌کند (Marcoux, 1994).

تحقیق به نسبت جامع و کامل دیگر در این زمینه، تحقیق است با عنوان "سالخوردگی جمعیت‌های روستایی در جنوب شرق و شرق آسیا" که اسکلدون و همکارانش انجام

داده‌اند. وی در مقدمه تحقیقش چنین آورده است: «ساختوردگی به تنهایی مورد توجه نیست بلکه اهمیت آن در ارتباط با تغییراتی است که در بخش کشاورزی کشورهایی که گرفتار چنین مسئله‌ای هستند، اتفاق می‌افتد» (Skeldon & et.al., 1999, 2). در این تحقیق ۱۳ کشور جنوب شرق و شرق آسیا مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال شرق و جنوب شرق آسیا در سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۱۱ و ۷/۲ درصد برآورد شده است؛ نسبتهایی که در سال ۱۹۶۰ به ترتیب ۷/۳ و ۵/۳ بوده است. این مطالعه تأکید دارد که سازوکار اصلی افزایش جمعیت ساختوردگی در جهان، کاهش پایدار و ثابتی است که در چند دهه گذشته در باروری پدید آمده است؛ با این حال این عامل نمی‌تواند تنها عامل ساختوردگی جمعیت مناطق مورد مطالعه باشد و علاوه بر کاهش باروری، عامل مهاجرت نیز تأثیر بسیار زیادی در ساختوردگی در مناطق روستایی این کشورها داشته است. بر پایه یافته‌های این تحقیق، در همه کشورهای جنوب شرق آسیا، جمعیت نواحی روستایی از جمعیت نواحی شهری ساختوردگی‌تر است. این امر بویژه در مورد دو کشور ژاپن و کره جنوبی - بعنوان دو کشور پیشرفته - بخوبی مشهود است و تفاوت نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال این دو کشور در نواحی شهری و روستایی بسیار زیاد است. یافته‌های تحقیق پیشگفته همچنین نشان می‌دهد که مهاجرت، مهمترین عامل ساختوردگی در جمعیت‌های روستایی است، چون اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند و غالباً آنها هستند که تمایل به ترک روستا و اقامت در شهرها، بویژه در شهرهای بزرگ، دارند در این تحقیق هیچ بحثی از پیامدهای این ساختوردگی به میان نیامده است (همان منبع).

جدیدترین تحقیق در زمینه ساختوردگی، تحت عنوان "ساختوردگی جمعیت در کشورهای در حال توسعه" است که از سوی مارکوکس در سال ۲۰۰۱ انجام شده است. در این تحقیق کلیه کشورهای در حال توسعه آفریقایی، آسیایی، اقیانوسیه، امریکای لاتین و کارائیب مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و فاکتورهای مهم جمعیتی آنان از جمله باروری و مرگ و میر و نیز روندهای جمعیتی از جمله مهاجرت و ساختوردگی جمعیت مورد توجه قرار گرفته است. وی معتقد است که در سطح

کلی، کاهش باروری و افزایش امید زندگی از مهمترین دلایل سالخوردگی جمعیت است، ولی زمانی که تفاوت‌های منطقه‌ای و بین کشورها را مدنظر قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که عامل مهم دیگری نیز در سالخوردگی جمعیت دخیل است. استدلال مارکوکس بدین گونه است که اگر قرار باشد کاهش باروری و مرگ و میر را مهمترین عوامل سالخوردگی جمعیت بدانیم باید جمعیت‌های مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، سالخورده‌تر از جمعیت‌های روستایی باشند، چون مناطق شهری این کشورها در مقایسه با مناطق روستایی‌شان از باروری و مرگ و میر کمتری برخوردارند حال آنکه روند سالخوردگی جمعیت در این مناطق برعکس است، بدین معنا که مناطق روستایی جمعیت سالخورده‌تری دارند؛ پس باید در پی عاملی مهمتر بود. وی مهاجرت‌های روستا به شهر را مهمترین عامل سالخوردگی جمعیت‌های روستایی در این کشورها می‌داند و معتقد است از آنجا که مهاجرت به طور معمول توسط گروه‌های سنی خاصی انجام می‌شود، لذا باعث دگرگونی ساخت جمعیت این کشورها می‌شود. در کشورهای یاد شده چون اغلب جوانان قایل به مهاجرت دارند از این رو نسبت بزرگسالان در جمعیت افزایش می‌یابد و سالخوردگی جمعیت پدید می‌آید (Marcoux, 2001).

در ایران نیز گذشته از چند مقاله که در باب سالخوردگی جمعیت در این کشور انجام شده، مطالعه‌ای با عنوان "مسئله پیران و سالخوردگان جمعیت ایران" در سال ۱۳۵۰ از سوی دکتر زنجانی در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته است. بیشتر مثالها در این زمینه از کشور فرانسه بوده و کمتر به سرشمارهای ایران اشاره شده است. در ادامه این تحقیق، سالخوردگی جمعیت برحسب جنس مورد بررسی قرار گرفته و سپس به روشهای مطالعه سالخوردگی جمعیت اشاره شده است. آثار و نتایجی که سالخوردگی جمعیت می‌تواند داشته باشد نیز به طور موجز مورد اشاره قرار گرفته است.

از دیگر کارهای انجام شده در داخل کشور، مجموعه مقالات تحقیقی است که در کنفرانس بین‌المللی سالمندی در ایران ارائه شده است. این کنفرانس از طرف گروه بانوان نیکوکار وابسته به آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک در سال ۱۳۷۸ برگزار شده است. در بیشتر این

مقالات به پیامدهای فردی و عواقب سالمندی برای خود فرد پرداخته شده و پیامدهای اجتماعی و جمعیتی سالخوردگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

یادآوری می‌شود که برای درک و فهم بهتر مطلب، استفاده از دو مقایسه طولی و عرضی در تحلیلها اجتناب ناپذیر است. بدین معنا که در مقایسه طولی نسبت شاغلان بالای ۶۰ سال و گاهی اوقات نیز میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی در طی دوره‌ای ۳۰ ساله مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا تفاوتها و روندهای موجود به طور مشخص بیان شود^۱. در مقایسه مقطعی نیز سعی شده است که شاخصهای مذکور در سه بخش عمده فعالیت اقتصادی مقایسه و تفاوتها بیان گردد.

براساس اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۷۵، میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی حدود ۴۰/۵ سال است. این رقم در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ به ترتیب ۳۴/۳، ۳۷/۶ و ۴۰/۴ سال است. روند افزایشی ارقام نشان می‌دهد که طی ۳۰ سال گذشته جمعیت شاغل در بخش کشاورزی بتدریج به طرف سالخوردگی پیش رفته به گونه‌ای که طی این دوره حدود ۶/۲ سال به میانگین سنی شاغلان این بخش افزوده شده است (جدول شماره ۱).

همان طور که جدول و نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، روند افزایش میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی که از سال ۱۳۴۵ آغاز شده بود، در سال ۱۳۶۵ متوقف شد دلیل اصلی این امر را می‌توان ناشی از تأثیرات جنگ دانست که طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ باعث رکود نسبی بخشهای صنعت و خدمات شده بود و در نتیجه چنین شرایطی، جمعیت شاغل در بخش کشاورزی تمایل کمتری به ترک کار کشاورزی و روستا از خود نشان می‌داد.

۱. لازم به توضیح است که در این بخش از مطالعه، اطلاعات سرشماری سال ۱۳۳۵، به دلیل ناهمخوانی با اطلاعات سایر سالها و نبود امکان بازسازی مورد استفاده قرار نگرفته است.

مقایسه نسبت جمعیت شاغل در گروه‌های ۱۰ ساله نیز حکایت از آن دارد که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طی ۳۰ سال اخیر سالخورده‌تر شده است. نسبت جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵ برابر ۲۱/۱ درصد بوده حال آنکه مقادیر مشابه در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب ۸/۷، ۱۰/۷ و ۱۵/۸ درصد بوده است.^۱ ارقام پیش گفته، روند تدریجی سالخورده شدن جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را بخوبی نشان می‌دهد. گفتنی است که نسبت جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵ حدود ۲/۶ برابر رقم مشابه در سال ۱۳۴۵ است (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۲).

مقایسه نسبت شاغلان بخش کشاورزی در گروه سنی ۱۰-۱۹ سال نیز نشان می‌دهد که این نسبت بتدریج در سالهای منتهی به سال ۱۳۷۵ کاهش یافته و از ۲۲/۵ درصد در ۱۳۴۵ به ۱۱/۸ درصد در ۱۳۷۵ رسیده است (نمودار شماره ۲). برای نشان دادن روند سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، علاوه بر مقایسه میانگین سنی و نسبت شاغلان می‌توان با مقایسه شاخصهای فوق در بخشهای سه گانه فعالیت اقتصادی هم به این نکته پی برد؛ زیرا این مقایسه ممکن است بهتر و گویاتر نیز باشد، چون همان طور که پیشتر نیز توضیح داده شد، میانگین سنی شاغلان در طی ۳۰ سال اخیر در هر سه بخش افزایش یافته است، منتهی این افزایش در بخش کشاورزی بسیار سریعتر و نمایانتر از دو بخش دیگر بوده است. میانگین سنی کشاورزان از ۳۴/۳ سال در ۱۳۴۵ به ۴۰/۵ سال در ۱۳۷۵ رسیده، در حالی که میانگین سنی کل شاغلان طی این مدت از ۳۳/۵ سال به ۳۵/۸ سال رسیده است. این بدان معناست که طی مدت زمان مذکور، شاغلان بخش کشاورزی ۶/۲ سال مستتر شده‌اند در صورتی که کل شاغلان فقط ۲/۳ سال مستتر شده‌اند (جدول شماره ۱).

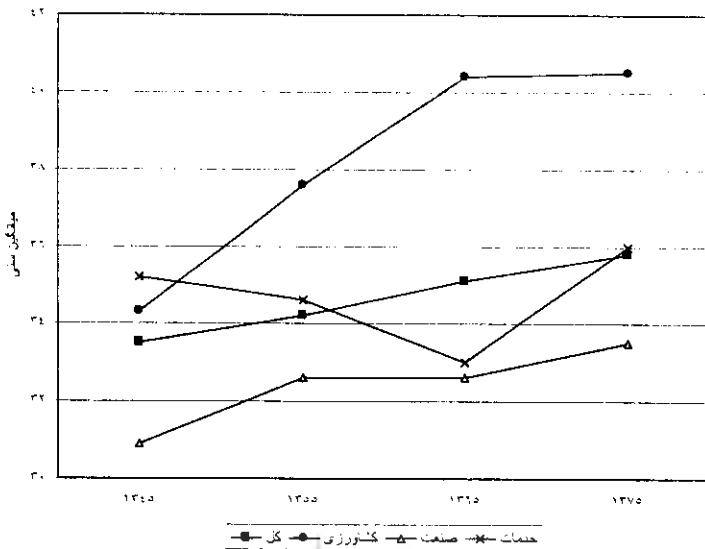
۱. تعداد شاغلان بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۷۲۱۶۵، ۲۶۹۰۵۶ و ۵۰۵۱۰۵ نفر بوده است.

جدول شماره ۱. توزیع نسبی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و کل کشور طی سالهای ۱۳۲۵-۷۵

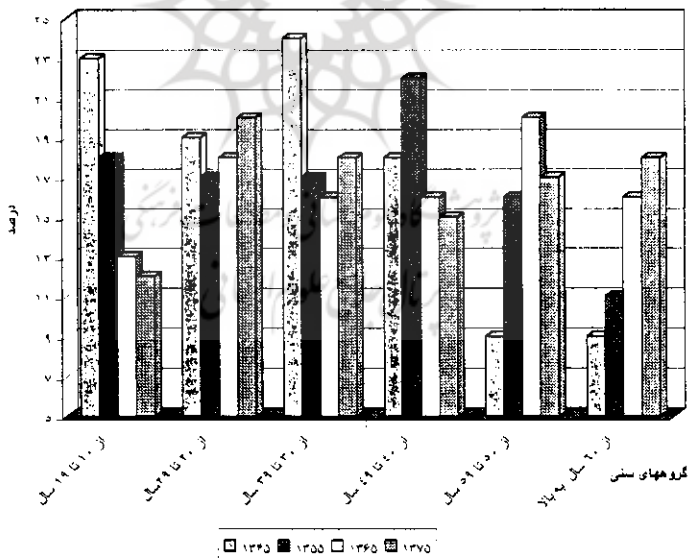
واحد: درصد

خدمات	۱۳۷۵				۱۳۶۵				۱۳۵۵				۱۳۴۵				سال	گروهی
	صفت	کشورزی	کل	کشورزی	کل	کشورزی	کل	کشورزی	کل	کشورزی	کل	کشورزی	کل	کشورزی	کل			
۵/۸	۱۳/۸	۱۱/۸	۹/۷	۱۳/۴	۱۲/۵	۱۸/۲	۱۷/۸	۲۲/۵	۱۸/۸	۲۰/۶	۱۹/۱۰	۲۲/۵	۱۸/۸	۲۳/۵	۲۰/۶	۲۹.۲۰		
۲۰/۶	۲۱/۷	۲۰/۳	۲۸/۶	۱۷/۹	۲۰/۶	۱۷	۲۶/۴	۱۸/۸	۲۳/۶	۲۳	۲۹.۲۰	۲۲/۶	۱۷/۸	۲۳/۹	۲۳	۲۹.۲۰		
۲۱/۵	۲۸/۲	۱۸/۲	۲۷/۴	۱۶/۴	۲۲/۹	۱۷	۱۹/۷	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۹	۲۹.۲۰	۲۲/۶	۱۷/۸	۲۳/۹	۲۳	۲۹.۲۰		
۱۹/۴	۱۵/۵	۱۴/۹	۱۷/۱	۱۶/۴	۱۴/۳	۲۱/۵	۱۸/۳	۱۷/۵	۱۷/۸	۱۷/۵	۴۹.۲۰	۱۷/۸	۱۷/۸	۱۷/۵	۱۷/۵	۴۹.۲۰		
۷/۵	۶/۹	۱۳/۶	۸/۷	۲۰/۹	۱۲/۲	۱۵/۶	۱۱/۴	۸/۶	۸/۶	۷/۸	۵۹.۵۰	۸/۶	۸/۶	۷/۸	۷/۸	۵۹.۵۰		
۵/۲	۲/۹	۲۱/۱	۸/۵	۱۵/۸	۷/۵	۱۰/۷	۶/۴	۸/۷	۸/۷	۷/۲	۴۰	۸/۷	۸/۷	۷/۲	۷/۲	۴۰		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع		
۲۶	۳۳/۵	۴۰/۵	۲۵/۸	۴۰/۴	۲۵/۱	۳۷/۶	۲۴/۳	۲۴/۳	۲۴/۳	۳۳/۵	۳۳/۵	۳۳/۵	۳۳/۵	۳۳/۵	۳۳/۵	۳۳/۵	میانگین سنی (سال)	

منابع: محاسبه بکاربرده براساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۲۵-۱۳۷۵- کل کشور، مرکز آمار ایران.



نمودار شماره ۱. میانگین سنی شاغلان بخشهای سه گانه فعالیت اقتصادی طی سالهای مختلف



نمودار شماره ۲. نسبت جمعیت گروههای سنی مختلف شاغل در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵

یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت شاغلان گروه سنی ۱۰-۱۹ سال هر سه بخش از ۶/۲۰ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۷/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. نسبت شاغلان در این گروه سنی در هر یک از ۳ بخش تقریباً به نصف تقلیل یافته است. این امر گویای این واقعیت است که طی ۳۰ سال گذشته، کار کودکان در کشور به شدت کاهش یافته و این کاهش در هر سه بخش فعالیت اقتصادی رخ داده است. از سوی دیگر، نسبت‌های شاغلان گروه‌های سنی در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز شاغلان بخش‌های صنعت و خدمات در سنین ۲۰ تا ۴۰ سال است، به گونه‌ای که بیش از ۶۰ درصد شاغلان هر یک از این دو بخش در این سنین قرار دارند. حال آنکه وضعیت در بخش کشاورزی کاملاً متفاوت است و شاغلان این بخش در گروه‌های سنی مختلف پراکنده هستند. همان طور که ارقام جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در سال ۱۳۷۵ بیشترین نسبت شاغلان در بخش کشاورزی مربوط به گروه‌های سنی بالای ۶۰ سال و در بخش‌های صنعت و خدمات به ترتیب مربوط به گروه‌های سنی ۲۰-۲۹ سال و ۳۰-۳۹ سال بوده است. در مجموع، اطلاعات سال ۱۳۷۵ (جدول شماره ۱) حاکی از این واقعیت است که انباشتگی شاغلان بخش‌های صنعت و خدمات در گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال بسیار بیشتر از مقدار مشابه در بخش کشاورزی است. و برعکس انباشتگی شاغلان بخش کشاورزی در گروه‌های سنی بالای ۵۰ سال بیش از مقدار مشابه در دو بخش صنعت و خدمات است.

نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال برای کل شاغلان در سال ۱۳۴۵ برابر ۷/۲ درصد بوده که با اندکی افزایش طی ۳۰ سال به ۸/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ رسیده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، سرعت افزایش نسبت شاغلان بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی بسیار بیشتر از سرعت افزایش کل شاغلان است. این امر نشان می‌دهد که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به سرعت در حال پیر شدن است. این نسبت در دو بخش صنعت و خدمات تفاوت چشمگیری نکرده و طی ۳۰ سال گذشته با اندکی تغییر ثابت مانده است.

این نسبت در بخش‌های صنعت و خدمات در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۳/۹ و ۵/۲ درصد

بوده و در مقایسه با رقم ۲۱/۱ درصدی بخش کشاورزی رقم بسیار ناچیزی است. از آنجا که نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال به عنوان یک شاخص سالخوردگی جمعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد و نمادی از سالخوردگی جمعیت است، می‌توان پذیرفت که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی نسبت به دو بخش دیگر سالخورده‌تر است و مقایسه این نسبت در طول ۳۰ سال حکایت از سرعت سالخورده شدن شاغلان این بخش دارد. همان‌طور که می‌بینیم، نسبت سالخوردگان بخش کشاورزی به ترتیب بیش از ۴ و ۵ برابر نسبت سالخوردگان بخشهای صنعت و خدمات است (نمودار شماره ۳). نسبت شاغلان گروه سنی ۵۰-۵۹ سال بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۳/۶ درصد است. این رقم برای دو بخش صنعت و خدمات به ترتیب ۶/۹ و ۷/۵ درصد است. این نسبت در هر چهار دوره سرشماری برای بخش کشاورزی بیش از دو بخش صنعت و خدمات بوده ولی این اختلاف در سال ۱۳۷۵ افزایش بیشتری یافته است. به طور کلی ارقام و اعداد نشان می‌دهد که نسبت جمعیت شاغل بالای ۵۰ سال در بخش کشاورزی در مقایسه با دو بخش صنعت و خدمات بسیار بیشتر است. از دلایل اصلی این امر می‌توان به وجود سیستم بازنشستگی در دو بخش صنعت و خدمات اشاره کرد که افراد در یک سن خاص بازنشسته و از سن کار خارج می‌شوند، در حالی که شاغلان بخش کشاورزی به دلیل نبود سیستم بازنشستگی غالباً تا پایان عمر و یا حداقل تا زمانی که نیرو برای انجام کار داشته باشند، جزو شاغلان بخش به حساب می‌آیند. به همین دلیل است که میزان فعالیت در سنین بالای ۶۰ سال در مناطق روستایی، که قطب مهم کشاورزی به شمار می‌آیند، در مقایسه با مناطق شهری اغلب بسیار بیشتر است و افراد بازنشسته در این مناطق بسیار کم‌اند.

به طور کلی تمام شواهد و مدارک دلالت بر پیدایش نوعی سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی دارد که در صورت ادامه روند کنونی، خطری جدی را متوجه این بخش خواهد کرد. اینکه چه علل و عواملی باعث پیدایش چنین شرایطی شده موضوعی است که سعی می‌شود در این قسمت بدان پرداخته شود.



نمودار شماره ۳- نسبت جمعیت گروه‌های سنی شاغل در سه بخش عمده فعالیت در سال ۱۳۷۵

دلایل سالخوردگی جمعیت

سالخوردگی جمعیت را به طور عام و سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را به طور خاص می‌توان متأثر از عوامل زیر دانست:

۱. کاهش تدریجی مولید در یک دوره درازمدت،
۲. مهاجرت بخشی از نیروی کار جوان جامعه‌ای به جامعه دیگر،
۳. افزایش تدریجی عمر متوسط و امید زندگی مردم،
۴. کاهش مرگ‌های ویژه دوران سالخوردگی مانند سرطان، بیماری‌های قلب و عروق، سکته و موارد مشابه دیگر (تقوی، ۱۳۷۴، ۲۴).

تحول باروری در گذشته تأثیر زیادی بر ساختمان سنی جمعیت باقی گذاشته است و امروزه

نیز از مهمترین عوامل تغییردهنده آن محسوب می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت: «کاهش باروری منشأ اساسی سالخوردگی جمعیت است» (پرسا، ۱۳۶۳، ۲۵).

کاهش باروری باعث می‌شود که پایه هرم سنی جمعیت بتدریج کاهش یابد و بر میزان جمعیت در گروه‌های میانی و بالایی این هرم افزوده شود. خود این امر باعث می‌شود که بلافاصله بعد از کاهش باروری، نسبت جمعیت گروه‌های سنی زیر ۱۵ سال کاهش یابد، در حالی که اثر این کاهش در بالای هرم چندان محسوس نیست و مدت زمانی طول می‌کشد تا جمعیت از گروه‌های سنی میانی تخلیه شود و به بالای هرم سنی برسد. تجمع جمعیت در بالای هرم سنی باعث افزایش نسبت جمعیت بالای هرم خواهد شد. این حالت ایجاد نوعی سالخوردگی در جمعیت است. یادآوری می‌شود که بین میزان باروری و سالخوردگی جمعیت، رابطه‌ای مستقیم و منفی وجود دارد. بدین معنا که با کاهش باروری، جمعیت سالخورده‌تر می‌گردد و برعکس، با افزایش باروری، جمعیت جوانتر می‌شود.

رولان پرسا، جمعیت‌شناس فرانسوی، معتقد است: «اولین و طبیعی‌ترین فکری که در زمینه سالخوردگی جمعیت به نظر می‌رسد، نسبت دادن این ویژگی به طولانی شدن مدت عمر است» (همان منبع). وی در ادامه می‌افزاید: «تجزیه و تحلیل دقیق‌تری از مسئله این نکته را ثابت می‌کند که کاهش مرگ و میر تاکنون تأثیر چندان محسوسی در تغییر شکل‌های مربوط به ساخت جمعیت نداشته است چرا که این کاهش موجب از میان نرفتن افراد در تمام سنین می‌شود و اهمیت نسبی تمام گروه‌های سنی، تقریباً به شکل اولیه خود حفظ می‌شود» (همان منبع).

از آنجا که توسعه بهداشت، بهبود شرایط اقتصادی، بالا رفتن سطح امید به زندگی و برخورداری از نتایج پیشرفت علوم حتی در عقب مانده‌ترین کشورها نیز موجب افزایش طول عمر شده و میزانهای مرگ و میر در تمام جوامع و کشورها هر چند با شدت و ضعف، کاهش یافته است، بنابراین دیگر نمی‌توان مرگ و میر را عامل قاطعی در تغییر ساختار سنی جمعیت به حساب آورد. با این همه باید توجه

داشت که کاهش مرگ و میر در سنین بالا نیز به عنوان یکی از عوامل سالخوردگی جمعیت مطرح است و علاوه بر آن، مرگ و میر بر اثر جنگهای درازمدت (که باعث از بین رفتن جمعیت‌های میانسال و جوان می‌شود) نیز می‌تواند به عنوان عاملی در سالخوردگی جمعیت دخیل باشد.

در مورد تأثیر عامل مهاجرت بر سالخوردگی جمعیت باید گفت که مهاجرت‌ها ممکن است اختلالی در ساخت سنی جمعیت ایجاد کنند. «مهاجرت از یک کشور می‌تواند عامل سالخوردگی جمعیت و مهاجرت به یک کشور می‌تواند عاملی برای جوان شدن جمعیت باشد» (همان منبع).

امروزه موضوع مهاجرت‌های روستا به شهر و تأثیر این نوع مهاجرت در تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت‌های مبدأ و مقصد از جمله مهمترین مباحث کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید؛ مهاجرت‌هایی که اغلب به دلیل نابرابریها و تفاوت‌های موجود در توزیع امکانات و تسهیلات صورت می‌پذیرد و دارای پیامدهای گوناگونی همچون پیامدهای جمعیتی است.

از آنجا که مهاجرت‌های کنونی، بویژه مهاجرت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه انجام می‌گیرد، از نوع مهاجرت‌های روستا به شهر است و اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند، بنابراین مهاجرت را می‌توان به عنوان یک عامل دخیل در سالخوردگی جمعیت روستایی دانست. اغلب جوانان هستند که به ترک روستا و اقامت در شهرها بخصوص شهرهای بزرگ تمایل دارند و این خود می‌تواند به افزایش نسبت سالخوردگان در چنین جمعیت‌هایی بیانجامد.

تغییر ساختار سنی و سالخوردگی جمعیت مناطق مهاجرفرست از آشکارترین پیامدهای جمعیتی این مهاجرت‌هاست که در درازمدت خطرات جدی همچون خالی از سکنه شدن مناطق روستایی را به دنبال خواهد داشت. جمعیت مناطق روستایی در ابتدا بر اثر مهاجرت سالخورده می‌شود و جمعیت سالخورده نیز توان جایگزینی و تجدید نسل را از دست می‌دهد که نتیجه آن از بین رفتن چنین جمعیت‌هایی خواهد بود.

علاوه بر موارد پیشگفته، مهاجرت، به شیوه‌های دیگری نیز می‌تواند ساختار سنی جمعیت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد که بازگشت مهاجران بعد از چند سال به مکان اولیه یکی از آنهاست.

بازگشت مهاجرانی که چند سال را در شهر گذرانده‌اند می‌تواند باعث تغییر ساختار سنی جمعیت روستایی و بروز مسائل و مشکلاتی شود. از جمله این مسائل، سالخوردگی جمعیت روستایی است. با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت که مهاجرت یکی از سازوکارهایی است که هم در کوتاهمدت و هم در درازمدت می‌تواند باعث دگرگونی ساختار سنی و جنسی و سالخوردگی جمعیت شود، بنابراین باید از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گیرد. البته نباید فراموش کرد که کاهش باروری عامل اصلی سالخوردگی جمعیت است. این عامل در درازمدت باعث می‌شود که جمعیت پایه هرم سنی کاهش و جمعیت بالای آن افزایش یابد. بعد از کاهش باروری، عامل مهاجرت را می‌توان عاملی مهم در سالخوردگی جمعیت برشمرد. از آنجا که تأثیر مهاجرت بر ساختمان سنی، برخلاف کاهش باروری (که نیاز به زمان نسبتاً زیادی دارد) می‌تواند آنی و فوری باشد، لذا مطالعه آن از هر جهت مهم است. این عامل بویژه در سطح ملی و منطقه‌ای بسیار مهم و درخور توجه است.

آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت، دلایل مترتب بر تغییر ساختمان سنی جمعیت از جمله پیدایش سالخوردگی، به طور کلی بود. اما به نظر می‌رسد که هنگام صحبت از دلایل سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی باید با دقت بیشتری به این عوامل نگریست. هنگام بحث در مورد افزایش تدریجی عمر متوسط و امید به زندگی و نیز کاهش مرگهای ویژه دوران سالخوردگی، به عنوان یکی از دلایل سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، باید یادآوری کرد که این عامل طی دوره ۳۰ ساله ۱۳۴۵-۷۵ یکی از عوامل مهم به شمار آمده است که در نقش و اهمیت آن به عنوان یک عامل دخیل شکی نیست. ولی نکته مهم و درخور تأمل در باره نقش و تأثیر عامل پیشگفته آن است که این عامل باعث افزایش تدریجی سن شاغلان دو بخش صنعت و خدمات نیز شده است، بنابراین در یک مقایسه مقطعی، که در آن سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات مورد مطالعه قرار می‌گیرد، این عامل را نمی‌توان به عنوان عاملی تأثیرگذار در نظر گرفت، چون تأثیر آن در هر سه بخش یاد شده به تقریب یکسان و یک اندازه است.

در مورد تأثیر کاهش باروری بر سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی نیز شک نیست به طوری که بخش زیادی از افزایش سالخوردگی جمعیت کشاورزان طی ۳۰ سال اخیر هم ناشی از آن بوده است. اما همان گونه که در بحث کاهش مرگ و میر نیز توضیح داده شد، تأثیر کاهش باروری بر سالخوردگی جمعیت شاغل می تواند در هر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات مهم باشد و منحصر به بخش کشاورزی نیست. شواهد موجود دال بر آن است که طی سالهای گذشته، کاهش باروری در شهرها (به عنوان قطب صنعت و خدمات) بیش از روستاها (به عنوان قطب کشاورزی) بوده است و اگر هم بپذیریم که تأثیر آن بر هر یک از بخشهای سه گانه فعالیت اقتصادی متفاوت باشد، انتظار می رود دو بخش صنعت و خدمات از این عامل بیشتر تأثیرپذیر بوده باشند و جمعیت آنان سالخورده تر از جمعیت شاغل در بخش کشاورزی باشد در صورتی که در عمل عکس این اتفاق افتاده است. البته مقایسه داده ها در سطوح استانی، آشکارا نشان دهنده وجود رابطه بین سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و کاهش باروری است. این داده ها همچنین نشان می دهد که استانهای دارای میزان باروری پایین، جمعیت کشاورز سالخورده تری دارند؛ یعنی یک رابطه منفی قوی بین سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و کاهش باروری مناطق روستایی مشاهده می شود.

از جمع بندی دو بحث فوق می توان نتیجه گرفت که باید عامل مهمتری وجود داشته باشد که تأثیر آن بر سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی بیش از تأثیر آن بر سالخوردگی جمعیت شاغل در دو بخش صنعت و خدمات باشد. بی گمان این عامل همان مهاجرت است. از آنجا که اغلب مهاجرتها در ایران از نوع مهاجرتهاى روستا به شهر بوده است و غالب مهاجران نیز جوانان جویای کار هستند، در نتیجه نوعی عدم تعادل (از نظر ساختار سنی) بین جمعیت شاغل در مناطق شهری (قطب مشاغل صنعتی و خدماتی) و مناطق روستایی (قطب مشاغل کشاورزی) پدید آمده است. این عدم تعادل به صورت سالخورده تر شدن جمعیت کشاورز و جوانتر شدن

۱. ضریب همبستگی (پیرسون) بین دو متغیر نسبت شاغلان بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی و میزان خام مولید مناطق روستایی ۰/۵۱۳- است که در سطح بالایی (۰/۰۰۷) معنی دار است.

جمعیت شاغل در بخشهای صنعت و خدمات جلوه می‌کند. جوانان، اغلب تمایل به فعالیت در مشاغل صنعتی و خدماتی دارند و از مشاغل کشاورزی گریزانند که خود این امر را می‌توان عاملی برای مهاجرت آنان دانست.

مقایسه داده‌ها در سطوح استانی گویای این نکته است که بین افزایش نسبت جمعیت کشاورز بالای ۶۰ سال و میزان مهاجرت رابطه‌ای وجود دارد، به این معنا که استانهای دارای خالص مهاجرتی کمتر، نسبت جمعیت کشاورز بالای ۶۰ سال بیشتری دارند؛ یعنی سالخورده‌تر هستند.^۱ به عنوان مثال استانهای یزد و مرکزی، که نسبت جمعیت کشاورز بالای ۶۰ سال آنها بسیار بالاست، از جمله استانهایی هستند که مناطق روستایی آنها مهاجرفرستی بالایی دارد. برعکس، استانهای بوشهر و هرمزگان، که نسبت جمعیت کشاورز بالای ۶۰ سال آنها بسیار کم است، از جمله استانهایی هستند که مناطق روستایی آنها مهاجرفرستی پایینی دارد. مواردی همچون عدم سرمایه‌گذاری کافی در مناطق روستایی و کشاورزی، نبود جاذبه‌های چشمگیر برای جوانان روستایی، سخت و طاقت‌فرسا بودن فعالیتهای کشاورزی، نبود نظام تأمین اجتماعی در مناطق روستایی و بخش کشاورزی که در نتیجه آن نوعی احساس ناامنی برای روستاییان و کشاورزان به وجود می‌آید و... از جمله عواملی به شمار می‌آیند که باعث می‌شوند جوانان روستایی علاقه چندانی به ماندن در روستا نداشته باشند و به ناچار مجبور به ترک آن شوند. این خود باعث جایگزین نشدن نیروی جوان نیروی مسن در مشاغل کشاورزی و در نهایت، سالخوردگی جمعیت شاغل در این بخش می‌شود.

پیامدهای سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی

سالخوردگی جمعیت علاوه بر عوارض فردی، برای کل جامعه نیز مشکلاتی به وجود می‌آورد. لذا شایسته است از سوی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران مورد توجه قرار گیرد.

۱. ضریب همبستگی (پیرسون) بین دو متغیر نسبت شاغلان بالای ۶۰ سال بخش کشاورزی و خالص مهاجرتی مناطق روستایی ۰/۴۴ - است که در سطح بالایی (۰/۰۲۴ = P) معنی‌دار است.

مهمترین پیامدهای سالخوردگی جمعیت به اختصار عبارت است از:

الف) پیدایش محافظه کاری در جامعه

از مهمترین پیامدهای سالخوردگی جمعیت، پیدایش نوعی محافظه کاری در جامعه است. رولان پرسیا در این زمینه معتقد است: «به هر میزان که اهمیت نسبی اشخاص سالخورده بیشتر باشد، به همان میزان افکار، حالات روانی و رفتارهای ویژه آنان اهمیت پیدا می‌کند. وابستگی کمتر آنها به تغییرات به علت عاداتی که کسب کرده‌اند، مراحل تکوین موجودیت آنها و افقهای محدودی که در مقابل آنهاست همگی سبب می‌شوند که نسلهای قدیمی به طور کلی به وجود آورنده مبنای محافظه کاری در جوامع باشند» (پرسیا، ۱۳۶۳، ۲۹).

زنجانی نیز معتقد است: «وقتی درصد افراد مسن در جامعه‌ای افزایش یابد به موازات آن علاقه به محافظه کاری، بیشتر و نوعی وابستگی به سنتهای اجتماعی پیدا می‌شود» (زنجانی، ۱۳۵۰، ۱۹).

پیدایش محافظه کاری در جامعه نیز باعث می‌شود افراد از رویارویی با چیزهای نو و جدید واهمه داشته باشند و اغلب سعی کنند به روشهای سنتی و قدیمی عمل کنند. خود این امر باعث درجا زدن و عقب ماندگی می‌شود. این واقعیت در مورد سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی نیز صادق است؛ زیرا وقتی که مدیران مؤسسات کشاورزی و اغلب کشاورزان افراد مسنی هستند، معمولاً در مقابل ابزار و وسایل جدید و نوآوریهای تکنیکی مقاومت نشان می‌دهند و بیشتر علاقه‌مندند کارها را به روش سنتی انجام دهند. علاوه بر این، اغلب آنان حاضر نیستند از نهادهای سموم و بذرهای جدید استفاده کنند و یا کشتهای جدید را جایگزین کشتهای قدیمی کنند.

ب) ایجاد موانع بر سر راه توسعه

از پیامدهای دیگر سالخوردگی جمعیت این است که بر سر راه توسعه موانعی ایجاد می‌کند. رولان پرسا در این زمینه عقیده دارد: «سالخوردگی جمعیت برای توسعه موانعی ایجاد می‌کند چرا که در صدد ارزش دادن به روشهای رفتاری گذشته و مقاومت در مقابل تغییرات است؛ تغییری که از شرایط لازم پیشرفت اجتماعی هستند» (پرسا، ۱۳۶۳، ۲۹). توسعه بخش کشاورزی نیز نیازمند نیروهای خلاق و پویاست (یا همان جوانان) که انطباق‌پذیری با شرایط جدید را داشته باشند.

ج) کاهش بهره‌وری

کاهش بهره‌وری یکی دیگر از نتایج سالخوردگی جمعیت است. بدین معنا که نیروی انسانی سالخورده اغلب از نظر فکری و جسمی دچار ناتوانی می‌شود که این امر باعث کاهش بازدهی نیروی انسانی و در نهایت کاهش بهره‌وری خواهد شد. این وضعیت بویژه در مورد بخش کشاورزی کاملاً صدق می‌کند. «در بخش کشاورزی که سرمایه بسیاری از کشورهای در حال توسعه است، مسن شدن شاغلان در بخش تولیدی باعث کاهش بازدهی نیروی انسانی خواهد بود و احتمالاً خروج جوانان از روستا سخت‌ترین فشار را بر برنامه‌های تهیه و تأمین مواد غذایی این کشورها وارد می‌آورد» (فارگوهر، ۱۳۶۸، ۱). این وضعیت در مورد کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، که کشاورزی آنها هنوز صنعتی نشده و اغلب متکی به نیروی کار انسانی است، کاملاً محسوس است. به یقین توان و انرژی یک نیروی جوان برای انجام کارهای یدی بیش از توان و انرژی فرد مسن است و لذا از عهده چنین کارهایی بهتر برمی‌آید.

د) کاهش باروری

کاهش باروری یکی دیگر از نتایج سالخوردگی جمعیت است. رولان پرسا در این زمینه معتقد است: «به همان درجه که تعداد افراد جوانتر بیشتر باشد، قابلیت تحول

و تغییر شکل جمعیت بیشتر است. اما جمعیتی که در حال سالخوردگی است نه تنها خود فی‌نفسه گرفتار مسئله سالخوردگی است بلکه در نتیجه شرایطی که این سالخوردگی ایجاد می‌کند، میزان باروری کاهش می‌یابد» (پرسا، ۱۳۶۳، ۳۱). این موضوع بدین معناست که کاهش باروری خود باعث پیدایش نوعی سالخوردگی در جمعیت می‌شود و سالخوردگی جمعیت نیز متقابلاً باعث کاهش باروری می‌گردد. کاهش باروری در مناطق روستایی می‌تواند برای آینده بخش کشاورزی مخاطراتی داشته باشد، چون این کاهش پس از مدتی باعث کاهش جمعیت فعال می‌گردد و کاهش جمعیت فعال نیز باعث می‌شود این بخش با خطر جدی خالی شدن نیرو مواجه شود و نتواند جمعیت شاغل مورد نیاز خود را تأمین کند.

ه) تغییر نحوه انتقال مایملک به وراث

از نتایج دیگر سالخوردگی جمعیت، تغییر نحوه انتقال مایملک از فرد سالخورده به وراث وی است. پدیده‌ی سالمندی بتدریج باعث می‌شود که دو یا سه نسل در کنار یکدیگر قرار گیرند و به طور همزمان به زندگی ادامه دهند. در چنین مواردی به طور معمول فرد سالخورده (بزرگ خاندان) حاضر نیست بخشی از دارایی و مایملک خود را به فرزندان خود که آنان نیز بزرگسال هستند تحویل بدهد. وی سعی می‌کند از طریق در اختیار داشتن دارایی، قدرت خود را حفظ کند و بر فرزندان نظارت داشته باشد. این امر باعث می‌شود که فرزندان فرد سالخورده نیز هیچ‌گونه چشمداشتی، دست کم تا زمان زنده بودن وی، به مال او نداشته باشند و هر کدام به دنبال کار و زندگی خودشان بروند. فرد سالخورده همچنین قادر به فعالیت و ادامه کار مفید نیست و چندان که باید و شاید نمی‌تواند از دارایی و اموالش استفاده بکند. این موضوع باعث می‌شود بسیاری از سرمایه‌های موجود بدون استفاده باقی بماند. «به همان ترتیب که سالخوردگی جمعیت و تراکم نسلی افزایش می‌یابد، این امکان وجود دارد که انتقالات بیشتری به فرزندان بزرگ و حتی فرزندان بزرگتر صورت گیرد و در نتیجه یک یا دو نسل رد شوند یعنی انتقال به صورت جهشی صورت گیرد و یک یا دو نسل در این میان از چرخه انتقال کنار گذاشته شوند. برای مثال یک

کشاورز سالخورده را در نظر بگیرد که ۷۰ تا ۸۰ سال سن دارد. وی صاحب فرزندی است که در پایان ۵۰ سالگی یا ۶۰ سالگی هستند و آنها نیز دارای فرزندان بزرگی هستند که ۳۰ سالشان است. یک چنین شرایطی اجازه می‌دهد تا انتقالات میان نسل به طور غیر مستقیم از فرد سالخورده به فرزندان بزرگسال انجام شود و بدین ترتیب نسل والدین کنار گذاشته شوند» (ایاکوئینتا، ۱۳۷۹، ۱۶). این وضعیت در مورد ایران و بخش کشاورزی آن مصداق کامل دارد، زیرا در ایران موضوع مالکیت و احساس تملک مسئله‌ای بسیار مهم بوده و موضوعهای مختلف و متفاوتی همچون فعالیت و اشتغال را تحت الشعاع خود قرار داده است. به طور قطع، زمانی که فرد مالک زمین است و زمین را متعلق به خود می‌داند، برای کار روی آن از جان و دل مایه می‌گذارد.

مهمترین عوامل مؤثر در سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی و تأثیر نهایی این سالخوردگی را می‌توان به صورت نمودار شماره ۴ ترسیم کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به عنوان نتیجه کلی می‌توان گفت که سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی به کاهش بهره‌وری می‌انجامد. کاهش بهره‌وری نیز خود به خود باعث به خطر افتادن امنیت غذایی می‌شود و به خطر افتادن امنیت غذایی نیز منجر به وابستگی کشور به مواد غذایی و نیاز به واردات آن از خارج می‌گردد. این ساده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نتیجه‌ای است که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت. عدم سرمایه‌گذاری کافی در مناطق روستایی، و کشاورزی، نبود جاذبه‌های چشمگیر برای جوانان روستایی، سخت و طاقت‌فرسا بودن فعالیت‌های کشاورزی، نبود نظام تأمین اجتماعی در مناطق روستایی و بخش کشاورزی که در نتیجه آن نوعی احساس ناامنی برای روستاییان و کشاورزان به وجود خواهد آمد و... از جمله عواملی هستند که باعث می‌شوند جوانان روستایی علاقه چندانی به ماندن در روستا نداشته باشند و به ناچار مجبور به ترک روستا

شوند. این خود باعث جایگزین شدن نیروی جوان به جای نیروی مسن در مشاغل کشاورزی و در نهایت باعث سالخورده‌گی جمعیت شاغل در این بخش می‌شود.

برای جلوگیری از سالخورده‌گی بیشتر جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و نیز اشتغالزایی پیشنهاد می‌شود:

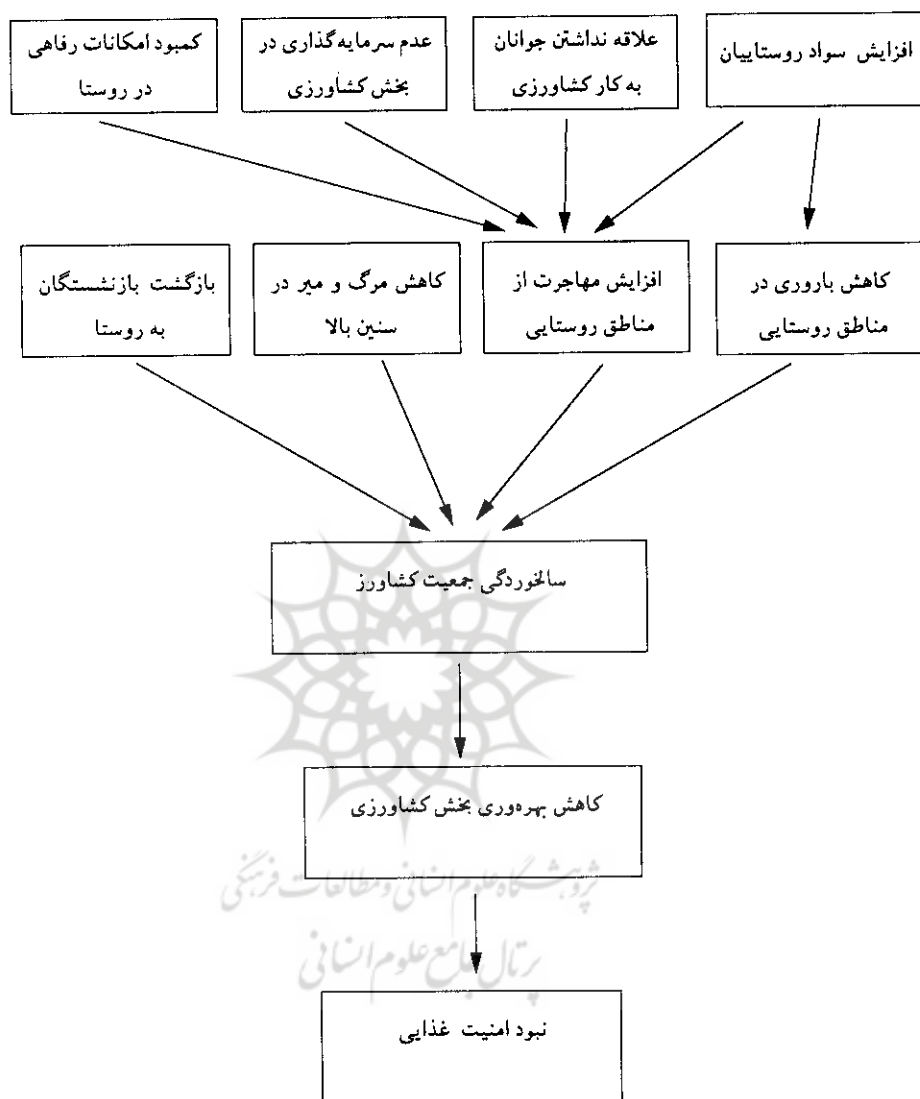
- سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و از کسانی که مایلند در این بخش سرمایه‌گذاری کنند، حمایت‌های مادی و معنوی شود.

- توسعه و گسترش صنایع تبدیلی کوچک و متوسط روستایی مورد توجه جدی قرار گیرد و برای افراد خواهان سرمایه‌گذاری و فعالیت در این زمینه، تسهیلات ویژه‌ای همچون پرداخت وام‌های درازمدت و کم بهره، فراهم آوردن زمین صدور محصولات تولیدی و... در نظر گرفته شود.

- به توسعه و گسترش صنایع تبدیلی و بسته‌بندی محصولات کشاورزی توجه جدی شود.

- توسعه زیرساخت‌های روستایی و بخش کشاورزی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

- به پرداخت وام‌های درازمدت و کم بهره به جوانان شاغل در بخش کشاورزی یا جوانان مایل به کار در این بخش و حرفه‌های روستایی اولویت داده شود.



نمودار شماره ۴. عوامل مؤثر در سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و تأثیر نهایی آن

منابع

- ۱- ایاکوئینتا، دیوید (۱۳۷۹)، روابط بین سالخوردگی جمعیت روستایی و انتقالات میان نسلی زمین و تولید کشاورزی، ترجمه محمد رمضانیان، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- ۲- پرسا، رولان (۱۳۶۳)، جمعیت‌شناسی اجتماعی، ترجمه منوچهر محسنی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۴)، سالخوردگان در جامعه، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱ و ۱۲، انتشارات سازمان ثبت احوال، تهران.
- ۴- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، مسئله سالخوردگان و پیری جمعیت در ایران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۵- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۶)، تحلیل جمعیت شناختی، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- زنجانی، حبیب‌الله و همکاران (۱۳۷۸)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، انتشارات بشری، تهران.
- ۷- زنجانی، حبیب‌الله و طه نوراللهی (۱۳۷۹)، جدول‌های مرگ و میر ایران برای سال ۱۳۷۵، چاپ اول، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.
- ۸- عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۷۷)، کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ایران، فصلنامه جمعیت، ثبت احوال، تهران.
- ۹- فارگوهر، فیلیپ (۱۳۶۸)، ۳ مقاله در باب کشاورزی، ترجمه ناصر اسکولایی و دیگران، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- ۱۰- گروه نویسندگان (۱۳۶۷)، روان‌شناسی رشد، ترجمه نورالدین رحمانیان، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، نشریات نتایج تفصیلی سرشماری کل کشور سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، نشریات نتایج تفصیلی سرشماری استان‌های کشور سال‌های

13. DuGuerny, Jaques (1997), The rural elderly and the aging of rural population, Internet.
14. Marcoux, Alain (1994), Population aging in developing societies, Internet.
15. Marcoux, Alain (2001), Population aging in developing societies, Internet.
16. Skeldon, Ronald and et.al. (1999), Aging of rural population in south, east and east Asia, women and population, Internet.
17. United Nation (2001), World population prospective, the 2000 revision, New York.

